راز آشکار

غلامحسین دوانی

از دهه ۱۳۴۰ و بدنبال تثبیت نظام شاهنشانی، سرکوب و خفقان و سانسور موجود در جامعه باعث شده بود تا انبوهی از حقایق، شایعه و دروغ توأمان در یک گاو صندوق سربسته تاریخی بصورت راز پنهان باقی بمانند. در همه کشورهایی که دیکتاتورها و مستبدین حکومت می‌کنند اخبار و شایعات و حقایق با تحریفاتی کم و زیاد بر اذهان عمومی حاکم می‌شوند و چوب سانسور حتی بر رژیم‌های سانسورچی هم فرود می‌آید بطوریکه مردم حرف راست آنها را هم دروغ می‌پندارند. فروپاشی سلطنت رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و محاکمه سرپاس مختاری بسیاری از فجایع تاریکخانه سردار سپه را روشن ساخت اما سرنگونی محمدرضا شاه نتوانست باعث رازگشایی چند فقره «راز پنهان» دوران ۲۷ ساله حکومت محمدرضاشاه گردد. چند صباحی است که تاریخ‌نویسی و وقایع‌نگاری شخصیت‌های تاریخی و مطبوعاتی برخی از زوایای پنهان تاریخ سیاسی کشور که مورد علاقه بسیاری از میهن‌دوستان بوده آشکار گردیده است. از دوران محمدرضا چهار راز سربسته باقی مانده که هر یک اخیراً به نوعی رمزگشایی شده‌اند.

۱- داستان مرگ ماهی سیاه کوچولو، «صمد بهرنگی» معلم بچه‌ها همیشه زبانزد عام و خاص بود و هیچکس نمی‌دانست ماهی سیاه کوچولو چگونه به ارس غلطید.

۲- خودکشی اسرارآمیز جهان پهلوان تختی نامدار جامعه را در تنشی فرو برد و همیشه دغدغه خودکشی پهلوان گوشه‌ای از تاریخ را می‌زدود.

۳- مرگ گلسرخی و دانشیان و داستان «گروه گلسرخی» با آن همه تناقض تفکر اعضای گروه چون زخمی بر پیکر تاریخ معاصر بود که نیاز به مداوای شکافتن داشت.

۴- ارقام شهدا و مقتولین مبارزات ۵۷- ۱۳۴۲ کشور و آمار اصلی این دورهٔ تاریخی به عنوان درس‌آموزی برای مبارزان و افراد جامعه همیشه مورد توجه بوده است. آمار زندانیان سیاسی یکصدهزار نفری و کشته‌شدگان هفتاد هزار نفری در دوران ستم‌شاهی ورد زبان بود اما تشنگان حقیقت همیشه چشم براه مدرک و مستندی قابل توجیه بودند.

فصل رازگشایی

۱- روزنامه آدینه در سال ۱۳۷۳ با نقل خاطراتی از افسر پاسگاه ارس در شب شوم حادثه مرگ صمد بهرنگی قفل از راز مرگ صمد برداشت. صمد مجذوب فعالیتهای انقلابی و احساسی شده بود و ندانسته وارد مرداب ارس دست و پا می‌زد که خشم ارس او را فرو برد اما افسر پاسگاه که تصادفاً عضو سازمان چریکهای فدایی خلق هم بوده این راز سربسته را نگشوده تا یاران صمد بتوانند از مرگ او بر علیه رژیم کارزاری تبلیغاتی بتازند و در این کار شادروان جلال آل احمد و غلامحسین ساعدی بیشترین فعالیت را می‌نمایند. فارغ از فضای آن روزگار، چه کسی انگاره مرگ مردی را می‌پذیرد که زندگی را در تکاپو می‌دانست. اما بهرحال امروز ثابت شد صمد بهرنگی در تقلای زندگی مغلوب ارس شد اما در تکاپوی زندگی جاودانه شد.

۲- «جهان پهلوان تختی نامدار که بود که از بهر وطن افتخار» مورد خشم طاغوت قرار گرفته و مردم در حمایت از جهان پهلوان تختی سلام و صلوات و بر دشمنان او لعنت و خشم می‌فرستادند که این امر به مذاق سگ‌دریده های شب نظیر غلامرضا پهلوی برادر شاه خوش نمی‌آمد. اگرچه رژیم مرگ جهان‌پهلوان را آرزو داشت اما او در وادی غربت، تنگی روزگار و مشکلات زندگی خصوصی این جهان پهلوان بود که به تنگ آمد و خودکشی کرد و بسیاری بر این باور هستند که «بابک باید سخن گوید» و مُـهر راز را بشکند.

۳- در آستانه شکوه و جلال سلطنت محمدرضا و سرکوب مبارزین گروهی که به نام «گروه گلسرخی» اشتهار یافتند به اتهام ترور اعلیحضرت و گروگان‌گیری خاندان وی دستگیر و در یک محاکمه فرمایشی خسرو گلسرخی شاعر آزاده و کرامت ا... دانشیان هنرمند متعهد به جوخه مرگ سپرده شدند و سایر متهمان نیز به حبس‌های طویل و کوتاه‌مدت محکوم شدند. در همان موقع هم برای بسیاری این پرسش مطرح بود که این گروه چه کسانی هستند، چطور آشنا شدند و چه می‌خواستند؟

در بهار پیروزی و بهمن ۱۳۵۷ سرود بهاران خجسته باد بصورت یک سرود انقلابی در رادیو و تلویزیون به عنوان سرودهٔ کرامت‌ا... دانشیان دوباره پرسش قبلی را بوجود آورد و شاید برای برخی خواص چگونگی ظهور و فروپاشی این گروه روشن بود اما مردم هنوز نمی‌دانستند قضیه چیست تا اینکه مدتی پیش کتاب «من یک شورشی هستم» به قلم عباس سماکار از اعضای گروه گلسرخی منتشر شد. چند ماه بعد نیز کتابی به نام «راوی بهاران» به همت انوش صالحی گردآوری شد که یادنامه کرامت‌ا... دانشیان می‌باشد. انوش صالحی از طریق مصاحبه با تنی چند از بازماندگان گروه گلسرخی و هم‌پرونده اصلی وی «منوچهر مقدم سلیمی» و همچنین ایرج جمشیدی سردبیر فعلی روزنامه آسیا بخشهایی دیگر از خاطرات سماکار را تکمیل نمود. بر اساس محتوای این دو کتاب که بنظر درست و اصولی می‌آید که گروه گلسرخی نه یک مجموعهٔ هماهنگ که محفل‌های متعدد بی‌ارتباط تشکیلاتی بوده‌اند که ساواک به ضرب و زور و شلاق و شکنجه، اعضای آن را در یک گروه جای داده است.

جالب آن است که مدعیان دموکراسی و آزادی از طریق خریداری یک زندانی آزاده شده (امیر فطانت) با نفوذ در یکی از محفل‌ها عملاً پاپوش اعدام برای زنده‌یاد کرامت‌ا... دانشیان و از طریق شکوه فرهنگ نیز پرونده مرگ برای گلسرخی می‌سازند و چنان عمل می‌کنند که هر یک از اعضای گروه به دیگری مشکوک می‌شود غافل از اینکه آب در کاشانه رسوخ کرده است.

۴- از سالهای حکومت محمدرضا پهلوی آمار و ارقام نجومی از کشته‌شدگان و زندانیان سیاسی نقل محافل بوده به‌طوری که حتی سازمان عضو بین‌المللی نیز اسیر آمار یکصد هزار نفر زندانی سیاسی در ایران شد. واقعیت آن است که برای ارزیابی نوع حکومت و منش رفتاری آن لزوماً تعداد کشته‌شدگان نمی‌تواند تنها معیار اصولی باشد اما بهرحال ذکر واقعیات بعنوان فرازی از تاریخ مکتوب برای تجربه آیندگان بی‌ثمر نخواهد بود. آقای عمادالدین باقی در تازه‌ترین کتاب خود به نام «انقلاب اسلامی از آغاز تا پیروزی» طی استناد به آمار و ارقام و مستندات موجود در بنیاد شهید

کل کشته‌شدگان سیاسی کشور در سال ۵۷- ۱۳۴۲ را تعداد ۳۱۶۴ نفر ذکر کرده که نحوهٔ طبقه‌بندی این کشته‌شدگان و شهدا را جدول ذیل نمایش می‌دهد:

تعداد شهدای گروههای مبارز ۱۳۵۷- ۱۳۴۲	فدایی	مجاهد	پیکار	سایر گروههای چپ	گروههای اسلامی
۳۴۱	۱۷۲	۷۳	۳۸	۳۰	۲۸

نحوه قتل یا شهادت مبارزین

درگیری مسلحانه	محکوم به اعدام	زیر شکنجه	مفقودین	خودکشی	هنگام فرار	جمع
۱۷۷	۹۱	۴۲	۱۵	۷	۹	۳۴۱

کل شهدای ۱۳۴۲-۵۷	کل شهدای ۱۵ خرداد ۴۲	کل شهدای دورهٔ انقلاب ۱۳۵۶-۵۷		کل شهدای ۱۷ شهریور		شهدای گروههای مبارز
		۲۷۸۱		تهران	شهرستانها	
۳۱۶۴	۳۲	تهران، شمیران، ری ۷۳۱	سایر شهرستانها ۲۰۵	۶۴	۲۴	۳۴۱

امید است با انتشار هر چه بیشتر این‌گونه کتابها و خاطرات و مصاحبه‌ها در شفاف‌سازی تاریخ اجتماعی کشور کوشش شود و نسل آینده بتواند از تاریخ مکتوبی که فقدان آن همیشه هزینه سنگینی را به مردم ایران تحمیل کرده، درس گیرند.

فاعتبروا یا اولی الابصار

۱۳۷۸/۲/۴